

ساخت فعل در تالشی مرکزی (گوش پره‌سری)

دکتر محرم رضایتی کیشه‌خاله*

۱ مقدمه

تالشی از گویش‌های ایرانی گروه شمال غربی است که هم اکنون در حاشیه جنوب غربی دریای خزر، علاوه بر گیلان و بخش‌هایی از اردبیل، در جمهوری آذربایجان رایج است و گونه‌های متعددی دارد که همه آنها در سه گروه، یعنی تالشی شمالی، تالشی مرکزی، و تالشی جنوبی جای می‌گیرند. مقصود از تالشی شمالی، تالشی آن سوی آرس، یعنی تالشی جمهوری آذربایجان است که ادامه آن تا کرگان رود تالش نیز پیش رفته است. تالشی مرکزی در گستره نوار طولی رودخانه‌های ناورود در شمال، و سفارود در جنوب رواج دارد. تالشی جنوبی در نواحی میان رودخانه‌های سفارود در شمال، و سفیدرود در جنوب رایج است.

از نظر تقسیمات اداری، تالش مرکزی به دو بخش جداگانه، به نام‌های اسالم و پره‌سر تقسیم می‌شود. بخش اسالم در شهرستان تالش (هشتتبر)، و بخش پره‌سر در شهرستان رضوانشهر واقع است. تالشی اسالمی و پره‌سری، هر یک گونه‌ها و لهجه‌های متعددی دارند که تفاوت آنها بیشتر در ویژگی‌های آوایی است و اندکی هم در حوزه تصریفی.

در این مقاله، به بررسی و توصیف ساخت فعل در گوش تالشی پره‌سری پرداخته‌ام. گونه‌های مختلف این گوش از نظر ساخت فعل تفاوت محسوسی با هم ندارند. گردآوری داده‌ها، جز در موارد خاص که برای تطبیق مواد و حصول اطمینان به برخی از گویشوران مراجعه شده، اغلب بر اساس اطلاعات ذهنی و شمّ زبانی نگارنده که خود گویشور این منطقه‌ام، فراهم آمده است.

* عضو هیئت علمی دانشگاه گیلان

با وجود مطالعات و تحقیقات قابل توجه درباره تالشی شمالی و جنوبی توسط پژوهشگران خارجی و ایرانی، مطالعات زبانی در حوزه تالشی مرکزی بسیار محدود است (برای آگاهی بیشتر، رک. مدنی ۱۳۶۹: ۳۳۶-۳۹۵؛ رضایتی‌کیشه‌خاله ۱۳۸۶: ۱۹-۲۱). اولین کار در این زمینه، مقاله دکتر احسان یارشاطر است با عنوان «تالشی اسالمی» که در ضمن آن، به توصیف دستگاه فعل این گویش نیز به اختصار پرداخته است. اثر دیگر، رساله کارشناسی‌ارشد نگارنده است با عنوان «توصیف گویش تالشی» که در آن، علاوه بر مطالعه و توصیف گویش تالشی پره‌سری در حوزه‌های مختلف، ساختمان فعل هم اجمالاً بررسی شده است. پژوهش نهایی، رساله کارشناسی‌ارشد مریم پورشفقی است با عنوان «توصیف دستگاه فعل در گویش تالشی» که به بررسی تطبیقی ساخت فعل در شش گونه تالشی (دو گونه از هر گروه تالشی) اختصاص دارد. اما مقاله حاضر در حقیقت، اولین اثر پژوهشی است که به شکلی فشرده و اختصاصی، و با نگاهی دقیقتر به توصیف ساخت فعل در تالشی مرکزی (گونه پره‌سری) پرداخته است.

۲ توصیف دستگاه فعل

۱-۲ ریشه. ریشه، جزئی است که میان لغتهای تشکیل‌دهنده یک خانواده لغوی مشترک است و معنای اصلی آن لغتها را در بر دارد (ابوالقاسمی ۱۳۷۵: ۱۴۲). در گویش تالشی ریشه فعلها به دو صورت ظاهر می‌شود: ضعیف، و قوی. ریشه ضعیف شکلی از ریشه است که *â* ندارد، ولی ریشه قوی *â* دارد. ^۱ از ریشه قوی اغلب برای ساختن فعلهای سببی، و از ریشه ضعیف برای فعلهای لازم و مجهول استفاده می‌کنند.

فعل سببی	فعل لازم و مجهول		
gârdæn-æst-əm	گردانیدم	gard-æst-im	گردیدم
dâjn-æst-ær	رنجانیدی	dej-ist-iš	رنجیدی
vâzn-æst-ærun	جهانیدید	vaš-t-irun	جهیدید
râxn-æst-əmun	رهانیدیم	rax-æst-imun	رهیدیم
xârn-æst-əš	خارنید	xær-ist-a	خارید

۲-۲ ماده مضارع. این ماده در تالشی به اشکال زیر ساخته می‌شود:

الف) با حذف نشانه‌های ماضی‌ساز از آخر فعلهای باقاعده:

۱. در ایرانی باستان ریشه به سه صورت ظاهر می‌شده است: ضعیف، متوسط و قوی (رک. ابوالقاسمی ۱۳۷۵: ۱۴۲). در تالشی ریشه متوسط ممیز نیست.

مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع	معنی
vinde	vind	vin	دیدن
tâšte	tâšt	tâš	تراشیدن
šâste	šâst	šâ	توانستن
zunuste	zunust	zun	دانستن
zeriste	zerist	zer	پاره شدن
čakâste	čakâst	čak	شکستن
xærie	xæri	xær	خریدن

(ب) با افزودن -n به ریشه تاریخی برخی فعلها:

مصدر	ریشه	ماده مضارع	معنی
jue	ju	jun	جویدن
čie	či	čin	چیدن
že	ža	žan	زدن
s'ue	s'u	s'un	ساییدن
jue	ju	jun	جویدن

(ج) در فعلهای بی قاعده، ماده مضارع از ساخت امر آنها به دست می آید و قاعده خاصی ندارد. شمار این گونه فعلها در گوش تالشی زیاد نیست:

مصدر	ساخت امر	ماده مضارع	معنی
virite	bi-vrij	viriĵ	دویدن
vašte	bə-vaz	vaz	جهیدن
xâšte	bə-xâz	xâz	خواستن
xæte	bə-xæs	xæs	خواییدن
hente	b-(h)enj	(h)enj	نوشیدن

۳-۲ ماده ماضی. این ماده در فعلهای باقاعده به صورتهای زیر ساخته می شود:

(الف) با افزودن -t به ماده مضارع برخی از فعلها:

ماده ماضی	ماده مضارع	مصدر	معنی
kašt	kaš	kašte	کاشتن
mast	mas	maste	شنیدن
čast	čaš	čašte	چشیدن

ب) با افزودن -d به ماده مضارع برخی از فعلها:

ماده ماضی	ماده مضارع	مصدر	معنی
hard	har	harde	خوردن
vard	var	varde	آوردن
bard	bar	barde	بُردن

ج) با افزودن -(i/ə/u)st به ماده مضارع برخی از فعلها:

ماده ماضی	ماده مضارع	مصدر	معنی
šāst	šā	šāste	توانستن
tiškist	tišk	tiškiste	شکفتن
raxəst	rax	raxəste	رهیدن
xurust	xur	xuruste	خندیدن

این ساخت، در تالشی مرکزی (اسالمی و پره‌سری) بسیار رایج است و وجه تمایز آن از سایر گویشهای تالشی است.

د) با افزودن -i به ماده مضارع برخی از فعلها:

ماده ماضی	ماده مضارع	مصدر	معنی
ši	š	še	رفتن
bi	b	be	بودن
xəri	xər	xərie*	خریدن
dəzdi	dəzd	dəzdie	دزدیدن

این ساخت در تالشی مرکزی کاربرد کمتری دارد.

* ie از نظر آواشناسی یک واکه مرکب است ولی از نظر واج‌شناسی یک صامت خفیف میانجی از نوع y یا ? بین آن دو قرار می‌گیرد. میآر، ارانسکی و شولتسه آنها را به همین صورت ضبط کرده‌اند.

ماده ماضی در فعلهای بی‌قاعده به صورتهای زیر دیده می‌شود:

الف) برابر با ریشه فعل است:

ماده ماضی	ماده مضارع	مصدر	معنی
ju	jun	jue	جویدن
či	čin	čie	چیدن
ža	žan	že	زدن

ب) از ماده مضارع با دگرگونیهای آوایی ساخته می‌شود. البته، این تغییرات امروزه چندان

قاعده‌مند نیستند؛ از این‌رو، این ماده‌ها را باید در کنار ماده‌های مضارع به خاطر سپرد:

تحول آوایی	ماده مضارع	ماده ماضی	معنی
-s → -t	xəs	xət	بستن
ء	daxəs	daxət	قایم شدن
-š → -t	xəraš	xərat	فروختن
-j → -t	vaj	vat	بافتن
ء	henj	hent	نوشیدن
-r → -m	âr	âm	آمدن
-a → -â	da	dâ/du	دادن
ء	na	nâ/nu	نهادن
-z → -št	vaz	vašt	جهیدن
ء	harz	hašt	هشتن
-r → št	pedâr	pedâšt	وزن کردن
ء	šur	šušt	شستن
-z → -st	sâz	sâst	ساختن
-z → -xt	bâz	bâxt	باختن
-i → and	zi	zand	زاییدن
-un → -and	mun	mand	ماندن
ء	šun	šand	افشاندن
-er → -at	ger	gat	گرفتن
-er → -ard	mer	mard	مردن

معنی	ماده ماضی	ماده مضارع	تحول آوایی
لشتن	ləšt	lis	-is → -əšt
رشتن	rəšt	ris	ء ٔ
دوختن	dašt	derz	-erz → -ašt
نگاه کردن	dayešt	dayes	-es → -ešt
نوشتن	nivišt	nivis	-is → -išt
پاک کردن	âvišt	âvis	ء ٔ
راه رفتن	pird	pər	-ər → -ird
بریدن	bird	bər	ء ٔ
بستن	bast	bend	-end → -ast
فروختن	xərat	xəraš	-š → -t

در تالشی مرکزی تمام صورتهای فعلی بر پایه دو ماده بنا می‌شود: ماده مضارع و ماده ماضی. از ماده مضارع که بازمانده ماده مضارع ایرانی باستان است، مضارع التزامی نشانه‌دار، مضارع التزامی بی‌نشانه، ماضی استمراری، ماضی استمراری تمنایی، آینده در گذشته، صیغه امر، صفت فاعلی، و برخی صفت‌های مفعولی ساخته می‌شود. از ماده ماضی که بازمانده اسم مفعول ایرانی باستان است، ماضی ساده، ماضی نقلی، ماضی بعید، ماضی بعید تمنایی، ماضی التزامی نشانه‌دار، ماضی التزامی بی‌نشانه، ماضی مستمر، مضارع مستمر، مضارع اخباری، آینده نزدیک، مصدر، و برخی صفت‌های مفعولی ساخته می‌شود.

۴-۲ مصدر. با افزودن -e به آخر ماده ماضی افعال مصدر ساخته می‌شود:

معنی	مصدر	ن. مصدر	ن. ماضی	ماده مضارع
خوردن	harde	-e	-d	har
شنیدن	maste	-e	-t	mas
توانستن	šâste	-e	-st	šâ
رهیدن	raxæste	-e	-æst	rax
خندیدن	xuruste	-e	-ust	xur
شکفتن	vəškiste	-e	-ist	vəšk
خریدن	xərie	-e	-i	xər

گاه با افزودن -e به آخر ریشه یا مادهٔ مضارع فعلها نیز مصدر ساخته می‌شود:

معنی	مصدر	ن. مصدر	ن. ماضی	ریشهٔ فعل
رفتن	še	-e	-	š
بودن	be	-e	-	b
زدن	že	-e	-	ž

سه نمونهٔ اخیر در اصل šie, bie و žie بوده‌اند که نشانهٔ ماضی‌ساز (-i) آنها حذف شده است. بر اساس این شواهد، ساخت مصدر در گویش تالشی بر دو پایهٔ متمایز، یعنی مادهٔ ماضی و مادهٔ مضارع مبتنی است. برخلاف تالشی مرکزی، نظام تصریفی دوئیی مصدرها در تالشی جنوبی و شمالی رواج بیشتری دارد و به نظر می‌رسد با گذشت زمان به نفع مادهٔ مضارع در حال تغییر و تقلیل باشد. اما، این فرایند تحول چنانکه می‌بینیم در تالشی مرکزی (از جمله پره‌سری) کمتر دیده می‌شود (رک. رضایتی کیشه‌خاله ۱۳۸۵: ۷-۳۰).

۲-۵ اسم مفعول. نشانهٔ اسم مفعول در تالشی، افزونهٔ پسین -a است که به آخر مادهٔ ماضی فعلها افزوده می‌شود:

معنی	اسم مفعول	افزونهٔ پسین	مادهٔ ماضی
شنیده شده	masta	-a	mast
خورده شده	harda	-a	hard
رهیده	raxəsta	-a	raxəst
شکفته	vəškista	-a	vəškist

۲-۶ پیشوندها. این وندها به دو دسته تقسیم می‌شوند: قاموسی و تصریفی.

الف) پیشوندهای قاموسی. این پیشوندها که بر سر اغلب افعال ساده وارد می‌شوند و معنی آنها را تغییر می‌دهند، عبارت‌اند از: -pe-, -da-, -â-, -vi-, -ji-, -bar-

پیشوندهای قاموسی به رغم فهرست محدود، حوزهٔ عمل بسیار گسترده‌ای دارند چنانکه به کمک آنها مجموعاً بیش از چهارصد مصدر (فعل) پیشوندی ساخته شده و از این طریق، کاستیهای ناشی از محدودیت فعلهای ساده برطرف گردیده است. اغلب فعلهای ساده، شکل پیشوندی نیز دارند و برخی از آنها حتی با تمامی پیشوندها به کار می‌روند:

گرفتن: gate		رفتن: še	
pe-gate	برداشتن	pe-še	بالا رفتن
da-gate	انداختن	da-še	داخل رفتن
vi-gate	خریدن	vi-še	فرو رفتن
â-gate	جدا کردن	â-še	آزیدن
ji-gate	از بن بریدن	ji-še	فرو خزیدن
bar-gate	برگرفتن	bar-še	بیرون رفتن

پیشوندها، گاه با حفظ مفهوم اصلی فعلهای ساده، جهت انجام آنها را مشخص نموده، گستره معنایی آنها را محدود می‌کنند. در این صورت، معمولاً معنای فرعی: بالا (pe-)، پایین (vi-)، درون (da-)، بیرون (bar-)، جلو (â-)، و جانب (ji-) را به معانی اولیه و اصلی آنها می‌افزایند. این تمایزات کم‌وبیش در شکل‌های پیشوندی še (رفتن) دیده می‌شود. این پیشوندها گاه کلماتی کاملاً جدید و مستقل می‌سازند که از نظر حوزه معنایی چندان ارتباطی با مفاهیم اولیه خود ندارند. شکل‌های پیشوندی gate (گرفتن) از این نوع‌اند. از فعلهایی که با تمام پیشوندها صرف می‌شوند، نمونه‌های زیر قابل ذکرند:

karde	انجام دادن
varde	آوردن
fande	انداختن
vašte	جهیدن
gənəste	افتادن

شایان ذکر است که در برخی موارد، تمایزات معنایی فعلهای پیشوندی با شکل ساده آنها چندان محسوس نیست. کاربرد پیشوندهای vi-, â-, da- و pe- از دو پیشوند دیگر بیشتر است، چنانکه هر یک از آنها در ساختمان حدود نود فعل دیده شده است. در عین حال با -ji، -jə، و با -bar تقریباً بیست فعل پیشوندی ساخته شده است. (رک. رضایتی کیشه‌خاله ۱۳۸۷: ۱۶۳-۱۷۱).

فعلهای پیشوندی را از نظر ساخت می‌توان به دو گروه تقسیم کرد:

(۱) فعلهایی که شکل ساده و غیر پیشوندی نیز دارند. فهرست این افعال در زبان تالشی بسیار گسترده است.

(۲) فعلهایی که شکل ساده آنها حداقل در تالشی مرکزی به کار نمی‌رود. این گروه فهرست محدودی دارد. از امثال آن نمونه‌های زیر قابل ذکر است:

â-vənəste	نشان دادن
vi-râknəste	دویدن
pe-rešte	بلند شدن
bar-me	بیرون آمدن
da-rəte	جارو کردن
ji-râknəste	بیرون کشیدن

از دیدگاه تاریخی همه پیشوندهای فعلی، مختم به صامت r- بوده‌اند که به تدریج حذف گردیده و فقط در -bar باقی مانده است. در عین حال، در ساخت برخی فعلها این صامت همچنان به کار می‌رود:

vir-afande	فرو انداختن
per-afande	فرا انداختن
vir-varde	پایین آوردن
âr-varde	نزدیک کردن
bar-gənəste	بیرون افتادن
jir-me	در آمدن

(ب) پیشوندهای تصریفی. این پیشوندها به دو نوع تقسیم می‌شوند:

۱. پیشوندهای وجه و نمود، که عبارت‌اند از: -a, -bā, -kâ (رک. صرف فعل).
۲. پیشوند منفی‌ساز. این پیشوند به چهار صورت دیده می‌شود: -ma, -nə, -ni, -na. (رک. صرف فعل).

۷-۲ شناسه‌های فعلی. در تالشی دو نوع شناسه فعلی وجود دارد: شناسه‌های اولیه و شناسه‌های ثانویه.^۱

الف) شناسه‌های اولیه. این شناسه‌ها که در ساختمان افعال التزامی بی‌نشانه، و دوم شخص جمع فعل امر دیده می‌شوند، عبارت‌اند از:

-am	اول شخص مفرد:	-um	اول شخص جمع:
-a	دوم شخص مفرد:	-i	دوم شخص جمع:
-un	سوم شخص مفرد:	-u	سوم شخص جمع:

۱. تقسیم شناسه‌ها به اولیه و ثانویه، صرفاً برای تمایز آنهاست و همچون شناسه‌های زبانهای ایرانی باستان ملاحظه خاصی در نامگذاری آنها مدنظر نبوده است.

ب) شناسه‌های ثانویه. این شناسه‌ها که در بقیه ساختهای فعلی تالشی به کار می‌روند عبارت‌اند از:

- اول شخص مفرد: -(i)m(a) اول شخص جمع: -(i)mun(a)
 دوم شخص مفرد: -(i)š(a) دوم شخص جمع: -(i)run(a)
 سوم شخص مفرد: -a/i/φ سوم شخص جمع: -(i)n(a)

۸-۲ فعل سببی. برای ساخت این فعل از دو روش زیر استفاده می‌کنند:

الف) ریشه قوی + صامت n:

xār-ist-e	خاریدن	→	xârn-əst-e	خارانیدن
čāš-t-e	چشیدن	→	čāšn-əst-e	چشانیدن
rax-əst-e	رهیدن	→	râxn-əst-e	رهانیدن
ras-t-e	رسیدن	→	râsn-əst-e	رسانیدن

ب) ریشه ضعیف + âvn:

par-əst-e	پریدن	→	par-âvn-əst-e	پرانیدن
xur-ust-e	خندیدن	→	xur-âvn-əst-e	خندانیدن
xət-e	خوابیدن	→	xəs-âvn-əst-e	خوابانیدن
gəl-əst-e	جوشیدن	→	gəl-âvn-əst-e	جوشانیدن

البته، کاربرد و اختیار هر یک از این دو شیوه قاعده خاصی ندارد و به اصطلاح سماعی است. به این نکته نیز باید توجه کرد که در تالشی فعلهای لازم و متعدی از نظر ساخت با هم تفاوتی ندارند، از کاربرد آنها در جمله به لازم و متعدی بودن آنها پی می‌بریم. با این حال، نشانه‌های سببی دلالت بر متعدی بودن فعل می‌کند.

۹-۲ فعل مجهول. در تالشی مرکزی (پره‌سری) فعل مجهول به صورتهای زیر ساخته می‌شود:

الف) با افزودن نشانه -(st) i- به آخر ماده مضارع یا ریشه ضعیف برخی از فعلها:

har-d-e	خوردن	→	har-i-st-e	خورده شدن
kus-t-e	کوبیدن	→	kus-i-st-e	کوبیده شدن
gat-e	گرفتن	→	ger-i-st-e	گرفته شدن
zârn-əst-e	پاره کردن	→	zer-i-st-e	پاره شدن
dâjn-əst-e	رنجانیدن	→	dej-i-st-e	رنجیده شدن
l'âkn-əst-e	تکان دادن	→	l'ek-i-st-e	تکان خوردن

(ب) از صیغه سوم شخص جمع فعلهای متعدی:

hasan-šun vinda	حسن را دیدند (حسن دیده شد).
amad-i bavindina	احمد را می‌بینند (احمد دیده می‌شود).
a-šun pegata	آن را برداشتند (آن برداشته شد).

۱۰-۲ فعل معین. افعال معین در تالشی عبارت‌اند از:

(الف) be (بودن). این فعل در ساخت ماضی مستمر، ماضی التزامی نشانه‌دار، ماضی التزامی بی‌نشانه، ماضی بعید، ماضی بعید تمنایی، و فعلهای غیرشخصی به کار می‌رود:

kâr <u>b-in</u> (a) âme	داشتند می‌آمدند	ماضی مستمر:
xəta <u>bə-b-â</u>	خوابیده باشد	ماضی التزامی نشانه‌دار:
xəta <u>bu-b-u</u>	خوابیده باشد	ماضی التزامی بی‌نشانه:
xəta <u>b-iš</u> (a)	خوابیده بودی	ماضی بعید:
xəta <u>ba-b-e-m</u>	می‌خوابیده بودم	ماضی بعید تمنایی:
<u>ba-b-i</u> xəte	می‌شود خوابید	فعل غیرشخصی:

چنانکه در چهار مثال اول می‌بینیم، فعل معین be در زمانها و صیغه‌های مختلف صرف می‌شود. اما در ساخت افعال غیرشخصی فقط صیغه سوم شخص آن با مصدر مربوط به کار می‌رود. علاوه بر این، به عنوان فعل پی‌بستی و فعل ربطی به دنبال اسم یا صفت نیز می‌آید. شکل پی‌بستی این فعل در تالشی به صورت زیر است:

čâk- <u>im</u> (a)	خوبیم	čâk- <u>im</u> (a)	خوبم
čâk- <u>irun</u> (a)	خوبید	čâk- <u>iš</u> (a)	خوبی
čâk- <u>in</u> (a)	خوب‌اند	čâk- <u>a</u>	خوب است

شکل ربطی این فعل، در وجه‌ها، صیغه‌ها و زمانهای مختلف صرف می‌شود.

(ب) šâste (توانستن). این فعل همیشه با تابع مصدری در تمام صیغه‌ها و اغلب زمانها صرف

می‌شود:

<u>ba-šâ-m</u> (a) še	می‌توانم رفت	مضارع اخباری:
<u>bâ-šâ-m</u> (a) še	می‌توانستم رفت	ماضی استمراری تمنایی:
<u>bə-šâ-m</u> (a) še	بتوانم رفت	مضارع التزامی نشانه‌دار:
<u>a-šâ-m</u> (a) še	می‌توانستم رفت	ماضی استمراری:
<u>šâst-im</u> (a) še	توانستم رفت	ماضی ساده:

ج) basi (باید). این فعل همیشه تابع‌پذیر است. تابع آن، گاه ماضی استمراری تمنایی، ماضی بعید تمنایی، ماضی التزامی نشانه‌دار، ماضی التزامی بی‌نشانه و مضارع التزامی بی‌نشانه است، و گاه مصدر. اگر با مصدر بیاید، ساخت غیرشخصی می‌سازد:

basi ba-xəs-e-š	باید می‌خوایدی	ماضی استمراری تمنایی:
basi ša na-b-e-m	باید نمی‌رفته بودم	ماضی بعید تمنایی:
basi âma bə-b-â	باید آمده باشد	ماضی التزامی نشانه‌دار:
basi âma bu-b-u	باید آمده باشد	ماضی التزامی بی‌نشانه:
basi bə-vâj-i	باید بگویی	مضارع التزامی بی‌نشانه:
basi virite	باید دوید	فعل غیرشخصی:
basi nə-xəte	نباید خوابید	فعل غیرشخصی:

این فعل برخلاف دیگر افعال معین، نشانه نفی نمی‌پذیرد و شکل تصریفی ندارد و امروزه بیشتر ویژگی قیدی پیدا کرده است.

د) da-mande (شروع کردن). این فعل که دلالت بر شروع انجام کار می‌کند، اغلب با تابع مصدری به کار می‌رود و شکل تصریفی کاملی نیز دارد:

<u>da mand-im</u> virite	شروع کردم به دویدن	ماضی ساده:
<u>da ša-mand</u> âme	شروع می‌کنی به آمدن	مضارع اخباری:
<u>dar a-mun-i</u> râ še	شروع می‌کرد به راه رفتن	ماضی استمراری:
<u>da manda ba</u> vâte	شروع کرده بود به گفتن	ماضی بعید:
<u>da mun-â-š</u> harde	شروع بکنی به خوردن	مضارع التزامی نشانه‌دار:
<u>da mun-i</u> harde	شروع بکنی به خوردن	مضارع التزامی بی‌نشانه:

۱۱-۲ فعل ناقص. تنها فعلی که در تالشی مرکزی (پره‌سری) صرفاً مفهوم مضارع اخباری دارد، فعل ناقص hest-a (هست) است. ماده این فعل (hest) مثل زبان فارسی، ماده مضارع فرض شده و صرف آن به شرح زیر است:

hest-imun(a)	هستیم	hest-im(a)	هستم
hest-irun(a)	هستید	hest-iš(a)	هستی
hest-in(a)	هستند	hest-a	هست

شکل منفی این فعل به این صورت صرف می‌شود:

ni-mun(a)	نیستیم	ni-m(a)	نیستم
ni-run(a)	نیستید	ni-š(a)	نیستی
ni-n(a)	نیستند	ni-(a)	نیست

۱۲-۲ وجه افعال. در تالشی مرکزی (پره‌سری) فعلها دارای چهار وجه‌اند: اخباری، امری، التزامی و تمنایی. افعال اخباری، امری، و برخی از افعال التزامی، افزونهٔ وجه‌نما ندارند؛ اما فعلهای تمنایی وجه‌نمای e- و گروهی از افعال التزامی وجه‌نمای â- دارند.

فعلهای مضارع اخباری، آیندهٔ نزدیک، مضارع مستمر، ماضی مستمر، ماضی استمراری، آینده در گذشته، ماضی ساده، ماضی نقلی، ماضی بعید، و افعال پی‌بستی وجه اخباری دارند.

فعل امر، وجه امری دارد، ماضی و مضارع التزامی نشانه‌دار، ماضی و مضارع التزامی بی‌نشانه، وجه التزامی دارند. فعلهای ماضی استمراری تمنایی، و ماضی بعید تمنایی نیز از وجه تمنایی برخوردارند.

۱۳-۲ نمود افعال. در تالشی فعلها دارای دو نمود اصلی (ساده و مستمر)، و دو نمود فرعی (آغازی و تأکیدی) هستند. فعلهای مضارع اخباری، مضارع التزامی نشانه‌دار، مضارع التزامی بی‌نشانه، ماضی ساده، ماضی نقلی، ماضی بعید، ماضی التزامی نشانه‌دار، ماضی التزامی بی‌نشانه، فعل امر، و فعل پی‌بستی نمود ساده دارند.

فعلهای آیندهٔ نزدیک، ماضی استمراری، مضارع مستمر، ماضی مستمر، آینده در گذشته، ماضی استمراری تمنایی، و ماضی بعید تمنایی نمود مستمر دارند.

هر یک از نمودهای ساده و مستمر می‌توانند نمود آغازی و تأکیدی نیز داشته باشند. نمود آغازی در حقیقت، استفاده از شکل تصریفی فعل کمکی da-mande (شروع کردن) است با تابع مصدری آن. برای شواهد این نمود به صفحهٔ پیش مراجعه شود. اما نمود تأکیدی افزودن نشانهٔ تأکید ey- به آخر برخی فعلهاست. معادل این نشانه در زبان گفتاری فارسی â- است که به دنبال بعضی افعال در می‌آید. به علاوه، گاه ən- را نیز برای تأکید به آخر ریشهٔ برخی فعلها در وجه امری (صیغهٔ دوم شخص مفرد) می‌افزایند:

ba-zn-iš-ey	می‌دانیا	مضارع اخباری:
gnəst-im-ey	افتادما	ماضی ساده:
â-rasta b-im-ey	رسیده بودما	ماضی بعید:
bə-š(ən)	برو	فعل امر: ^۱
bə-vâj(ən)	بگو	فعل امر:

۱. البته ممکن است این نشانه (ən) با قیاس با n ماده‌ساز مضارع به وجود آمده باشد.

۲-۱۴ صرف فعل. ساخت فعل از نظر زمان درگوش تالشی تقریباً متنوع است. در تالشی مرکزی (پره‌سری) برای فعلهای ماضی، ده، برای فعلهای مضارع، چهار، برای فعل آینده، و امر، هر کدام یک ساخت فعلی وجود دارد که جمعاً بالغ بر شانزده ساخت فعلی است. در این بخش، به توصیف انواع زمانها و الگوی ساختمانی و شکلهای تصریفی آنها می‌پردازیم.

۲-۱۴-۱ ماضی ساده

الگوی ساخت ماضی ساده از افعال لازم ساده به شرح زیر است:

الف) ماده ماضی + شناسه‌های ثانویه

xət-imun(a)	خواهیدیم	xət-im(a)	خواهیدم
xət-irun(a)	خواهیدید	xət-iš(a)	خواهیدی
xət-in(a)	خواهیدند	xət-a	خواهید

الگوی ساخت ماضی ساده از افعال متعدی ساده به شرح زیر است:

ب) ماده ماضی + ضمائر متصل غیرفاعلی (عامل) a_{\pm}

vind-əmun(a)	دیدیم	vind-əm(a)	دیدم
vind-ərun(a)	دیدید	vind-ər(a)	دیدی
vind-əšun(a)	دیدند	vind-əš(a)	دید

در شکل منفی این فعل، نشانه نفی -nə پیش از ماده فعل قرار می‌گیرد:

<u>nə</u> -xət-im(a)	نخواهیدم
----------------------	----------

۲-۱۴-۲ ماضی نقلی

الگوی ساخت ماضی نقلی از افعال لازم ساده به شرح زیر است:

الف) اسم مفعول + شناسه‌های ثانویه

xəta-mun(a)	خواهیده‌ایم	xəta-m(a)	خواهیده‌ام
xəta-run(a)	خواهیده‌اید	xəta-š(a)	خواهیده‌ای
xəta-n(a)	خواهیده‌اند	xəta-ϕ	خواهیده است

الگوی ساخت ماضی نقلی از افعال متعدی ساده به شرح زیر است:

(ب) اسم مفعول + ضمائر متصل غیرفاعلی (عامل) + a

vinda-muna	دیده‌ایم	vinda-ma	دیده‌ام
vinda-runā	دیده‌اید	vinda-ra	دیده‌ای
vinda-šuna	دیده‌اند	vinda-ša	دیده است

در ماضی نقلی لازم، نشانهٔ نفی *ni-* پیش از شناسه، و در افعال متعددی پیش یا بعد از ضمیر متصل غیرفاعلی اضافه می‌شود:

xəta <u>ni</u> -ma	نخوابیده‌ام
vinda <u>ni</u> -ma	ندیده‌ام
vinda-m <u>ni</u>	ندیده‌ام

۳-۱۴-۲ ماضی التزامی نشانه‌دار

ماضی التزامی در زبان تالشی دو ساخت متفاوت دارد. یک شکل آن که با وجه‌نمای *-â* و شناسهٔ ثانویه همراه است، ساختاری کهنتر دارد و اکنون در برخی از نواحی تالشی مرکزی در حال فروپاشی است. نوع دیگر فاقد وجه‌نامست. ابتدا ماضی التزامی نشانه‌دار، سپس بی‌نشانه را معرفی می‌کنیم. الگوی ساخت ماضی التزامی نشانه‌دار از افعال لازم ساده به شرح زیر است:

(الف) اسم مفعول + مضارع التزامی نشانه‌دار از فعل معین *be* (بودن)

xəta bə-b-â-mun	خوابیده باشیم	xəta bə-b-â-m	خوابیده باشم
xəta bə-b-â-run	خوابیده باشید	xəta bə-b-â-š	خوابیده باشی
xəta bə-b-â-n	خوابیده باشند	xəta bə-b-â-ϕ	خوابیده باشد

الگوی ساخت ماضی التزامی نشانه‌دار از افعال متعددی ساده به شرح زیر است:

(ب) اسم مفعول + ضمائر متصل غیرفاعلی (عامل) + فعل معین *bəbâ* (باشد)

vinda-mun bə-b-â	دیده باشیم	vinda-m bə-b-â	دیده باشم
vinda-run bə-b-â	دیده باشید	vinda-r bə-b-â	دیده باشی
vinda-šun bə-b-â	دیده باشند	vinda-š bə-b-â	دیده باشی

برای منفی کردن این فعل، نشانهٔ نفی *nə-* را جانشین جزء پیشین *bə-* می‌کنند:

xəta <u>nə</u> -b-â-m	نخوابیده باشم
-----------------------	---------------

۲-۱۴-۴ ماضی التزامی بی‌نشانه

الگوی ساخت ماضی التزامی بی‌نشانه از افعال لازم ساده به شرح زیر است:
(الف) اسم مفعول+ مضارع التزامی بی‌نشانه از فعل معین (بودن)

xəta bə-b-am	خوابیده باشم	xəta bu-b-um	خوابیده باشم
xəta bə-b-a	خوابیده باشی	xəta bə-b-i	خوابیده باشی
xəta bu-b-un	خوابیده باشند	xəta bu-b-u	خوابیده باشند

الگوی ساخت ماضی التزامی بی‌نشانه از افعال متعدی ساده چنین است:
(ب) اسم مفعول+ ضمائر متصل غیرفاعلی (عامل)+ فعل (باشد)

vinda-mun bu-b-u	دیده باشم	vinda-m bu-b-u	دیده باشم
vinda-run bu-b-u	دیده باشی	vinda-r bu-b-u	دیده باشی
vinda-šun bu-b-u	دیده باشند	vinda-š bu-b-u	دیده باشی

در شکل منفی کردن این فعل، نشانه نفی -nə جانشین جزء پیشین bu-/bə می‌کنند:

xəta nə-b-um خوابیده باشم

۲-۱۴-۵ ماضی بعید

الگوی ساخت ماضی بعید از افعال لازم ساده به شرح زیر است:
(الف) اسم مفعول+ ماضی ساده از فعل معین (بودن)

xəta b-imun(a)	خوابیده بودیم	xəta b-im(a)	خوابیده بودم
xəta b-irun(a)	خوابیده بودید	xəta b-iš(a)	خوابیده بودی
xəta b-in(a)	خوابیده بودند	xəta b-a	خوابیده بود

الگوی ساخت ماضی بعید از افعال متعدی ساده به شرح زیر است:
(ب) اسم مفعول+ ضمائر متصل غیرفاعلی (عامل)+ فعل معین (بود)

vinda-mun ba	دیده بودیم	vinda-m ba	دیده بودم
vinda-run ba	دیده بودید	vinda-r ba	دیده بودی
vinda-šun ba	دیده بودند	vinda-š ba	دیده بود

برای منفی کردن ماضی بعید لازم، نشانه نفی -nə را قبل از فعل معین، و در افعال متعدی، قبل یا بعد از آن می‌افزایند. اگر نشانه نفی، بعد از فعل معین بیاید، به صورت ni- ظاهر می‌شود:

xəta nə-b-im(a)	نخوابیده بودم
vinda-m nə-ba	ندیده بودم
vinda-m ba ni	ندیده بودم

۲-۱۴-۶ ماضی بعید تمنایی

از این ساخت برای بیان معانی شرط، تردید، احتمال، تحسّر، و... استفاده می‌گردد. الگوی ساخت ماضی بعید تمنایی از فعلهای لازم ساده به شرح زیر است.
الف) اسم مفعول + ماضی استمراری تمنایی از فعل معین be (بودن)

xəta ba-b-e-m(a)	می‌خوابیده بودم
xəta ba-b-e-š(a)	می‌خوابیده بودی
xəta ba-b-e	می‌خوابیده بود
xəta ba-b-e-mun(a)	می‌خوابیده بودیم
xəta ba-b-e-run(a)	می‌خوابیده بودید
xəta ba-b-e-n(a)	می‌خوابیده بودند

الگوی ساخت ماضی بعید تمنایی از افعال متعدی ساده به شرح زیر است:
ب) اسم مفعول + ضمائر متصل غیرفاعلی (عامل) + فعل babe (می‌بود)

vinda-m ba-b-e	می‌دیده بودم
vinda-r ba-b-e	می‌دیده بودی
vinda-š ba-b-e	می‌دیده بود
vinda-mun ba-b-e	می‌دیده بودیم
vinda-run ba-b-e	می‌دیده بودید
vinda-šun ba-b-e	می‌دیده بودند

در شکل منفی این فعل، نشانه نفی -na را جانشین نشانه استمراری -ba می‌سازند:

xəta na-b-e-m(a)	نمی‌خوابیده بودم
------------------	------------------

ساخت ماضی ساده، ماضی نقلی، ماضی التزامی نشانه‌دار، ماضی التزامی بی‌نشانه، ماضی بعید، ماضی بعید تمنایی از افعال پیشوندی، مثل افعال ساده است، جز اینکه وند اشتقاقی در آغاز ماده‌های این افعال قرار می‌گیرد:

vi-gat-əm(a)	گرفتم	ماضی ساده:
pe-ša-m(a)	بالا رفته‌ام	ماضی نقلی:
vi-gata-m bə-b-â	گرفته باشم	ماضی التزامی نشانه‌دار:
vi-gata-m bu-b-u	گرفته باشم	ماضی التزامی بی‌نشانه:
pe-ša-b-im(a)	بالا رفته بودم	ماضی بعید:
vi-gata-m ba-b-e	می‌گرفته بودم	ماضی بعید تمنایی:

ضمناً چنانکه مشاهده می‌شود اشکال متعددی این افعال شش‌گانه که بر پایه ماده ماضی ساخته شده‌اند، ساخت ارگتیو دارد و از نوع لازم آنها متمایز است (برای آگاهی از ساخت ارگتیو در گویش تالشی، رک. رضایتی ۱۳۸۴: ۱۱۳-۱۲۶).

۷-۱۴-۲ ماضی استمراری

الگوی ساخت ماضی استمراری از افعال ساده به شرح زیر است:

افزونه ماضی ساز +a- ماده مضارع + شناسه‌های ثانویه^۱

a-xəs-imun(a)	می‌خواهیدیم	a-xəs-im(a)	می‌خواهیدم
a-xəs-irun(a)	می‌خواهیدید	a-xəs-iš(a)	می‌خواهیدی
a-xəs-in(a)	می‌خواهیدند	a-xəs-i	می‌خواهید

۸-۱۴-۲ ماضی استمراری تمنایی

این فعل بر مفاهیمی چون شرط، آرزو، تحسین، تأکید، توصیه، و... در گذشته دلالت می‌کند و الگوی ساخت آن از افعال ساده به شرح زیر است:

افزونه ماضی ساز -ba/+a- ماده مضارع + وجه نمای e+ شناسه‌های ثانویه

ba-xəs-e-mun	می‌خواهیدیم	ba-xəs-e-m	می‌خواهیدم
ba-xəs-e-run	می‌خواهیدید	ba-xəs-e-š	می‌خواهیدی
ba-xəs-e-n	می‌خواهیدند	ba-xəs-e-φ	می‌خواهید

ساخت ماضی استمراری و ماضی استمراری تمنایی از افعال پیشوندی، مثل شکل ساده آنهاست با این تفاوت که در آغاز آنها، وند اشتقاقی مختوم به r اضافه می‌شود:

per-a-ger-im	بر می‌داشتم	ماضی استمراری:
per-a-ger-e-m	بر می‌داشتم	ماضی استمراری تمنایی:

۱. سابقه استفاده از ماده مضارع و جزء پیشین a- در ساخت ماضی استمراری به فارسی باستان می‌رسد (رک. ابوالقاسمی ۱۳۷۵: ۱۴۵؛ مولائی ۱۳۸۴: ۷۱).

برای منفی کردن این دو فعل، به جای افزونه *-a/-ba*، نشانهٔ نفی *-na* می‌آید و در فعلهای پیشوندی، صامت *r* از آخر پیشوند حذف می‌گردد:

<i>na-xəs-im(a)</i>	نمی‌خواهیدم	ماضی استمراری:
<i>pe-na-ger-im</i>	بر نمی‌داشتم	ماضی استمراری تمنايي:
<i>na-xəs-e-m</i>	نمی‌خواهیدم	
<i>pe-na-ger-e-m</i>	بر نمی‌داشتم	

۲-۱۴-۹ ماضی مستمر

الگوی ساخت ماضی مستمر از افعال ساده به شرح زیر است:

افزونهٔ استمرار *+kâ(r)* + ماضی ساده از فعل معین *be* (بودن) + مصدر ساده

<i>kâ(r) b-im(a) še</i>	داشتم می‌رفتم
<i>kâ(r) b-iš(a) še</i>	داشتم می‌رفتی
<i>kâ(r) b-a še</i>	داشتم می‌رفت
<i>kâ(r) b-imun(a) še</i>	داشتم می‌رفتیم
<i>kâ(r) b-irun(a) še</i>	داشتم می‌رفتید
<i>kâ(r) b-in(a) še</i>	داشتم می‌رفتند

ساخت ماضی مستمر از افعال پیشوندی مثل شکل سادهٔ آن است جز اینکه به جای مصدر

ساده، مصدر پیشوندی قرار می‌گیرد:

kâ(r) b-im(a) pe-še داشتم بالا می‌رفتم

برای منفی کردن ماضی مستمر، پیش از فعل معین، نشانهٔ نفی *-nə* اضافه می‌شود:

<i>kâ(r) nə-b-im(a) harde</i>	داشتم نمی‌خوردم
<i>kâ(r) nə-b-im(a) pe-še</i>	داشتم بالا نمی‌رفتم

۲-۱۴-۱۰ آینده در گذشته

الگوی ساخت آینده در گذشته از افعال ساده و پیشوندی، مثل ماضی استمراری ساده و پیشوندی

است، جز اینکه افزونهٔ *kâ* در آغاز فعل می‌آید:

kâ a-xəs-im(a)	می‌خواستم خفت
kâ a-xəs-iš(a)	می‌خواستی خفت
kâ a-xəs-i	می‌خواست خفت
kâ a-xəs-imun(a)	می‌خواستیم خفت
kâ a-xəs-irun(a)	می‌خواستید خفت
kâ a-xəs-in(a)	می‌خواستند خفت

برای منفی ساختن آینده در گذشته ساده، به جای افزونه -a، نشانه نفی -na می‌آید و در افعال پیشوندی، r از آخر پیشوند حذف می‌شود:

kâ <u>na</u> -xəs-im(a)	نمی‌خواستم خفت
kâ pe <u>na</u> -ger-im(a)	نمی‌خواستم گرفت

۲-۱۴-۱۱ مضارع التزامی نشانه‌دار

مضارع التزامی نیز مثل ماضی التزامی در زبان تالشی دو ساخت متفاوت دارد. یک شکل آن با وجه نمای â و شناسه ثانویه همراه است. نوع دیگر که فاقد وجه‌نماست، با شناسه اولیه صرف می‌شود. ابتدا شکل نشانه‌دار، سپس بی‌نشانه آن را معرفی می‌کنیم.

الگوی ساخت مضارع التزامی نشانه‌دار از افعال ساده چنین است:
افزونه تصریفی -bə + ماده مضارع + وجه نمای â + شناسه‌های ثانویه

bə-xəs-â-mun	بخوابیم	bə-xəs-â-m	بخوابم
bə-xəs-â-run	بخوابید	bə-xəs-â-š	بخوابی
bə-xəs-â-n	بخوابند	bə-xəs-â-φ	بخوابد

با افزودن -ma بر سر ماده فعل، مضارع التزامی نشانه‌دار شکل نهی پیدا می‌کند:

<u>ma</u> -xur-â-š	نخندی
--------------------	-------

۲-۱۴-۱۲ مضارع التزامی بی‌نشانه

الگوی ساخت مضارع التزامی بی‌نشانه از افعال ساده به شرح زیر است:
افزونه تصریفی -bə + ماده مضارع + شناسه‌های اولیه

bə-xəs-am	بخوابیم	bə-xəs-um	بخوابم
bə-xəs-a	بخوابید	bə-xəs-i	بخوابی
bə-xəs-un	بخوابند	bə-xəs-u	بخوابد

مصوت این افزونه (bə-) در مضارع التزامی نشانه‌دار و بی‌نشانه ناپایدار است؛ چنانکه اغلب با مصوت ماده فعل هماهنگی دارد:

مضارع التزامی نشانه‌دار: bu-xur-â-š (بخندی)، bi-vin-â-š (بینی)، b-ašmar-â-š (بشمری).

مضارع التزامی بی‌نشانه: bu-xur-um (بخندم)، bi-vin-um (بینم)، b-ašmar-um (بشمرم).

شکل پیشوندی این افعال (مضارع التزامی نشانه‌دار و بی‌نشانه) مثل شکل ساده آن است با این تفاوت که وند اشتقاقی به جای افزونه تصریفی (bə-) قرار می‌گیرد:

مضارع التزامی نشانه‌دار: بگیری vi-ger-â-š

مضارع التزامی بی‌نشانه: بردارم pe-ger-um

در شکل منفی مضارع التزامی نشانه‌دار و بی‌نشانه، به جای افزونه تصریفی (bə-)، نشانه نفی nə- می‌آید. در افعال پیشوندی، این نشانه بین وند اشتقاقی و ماده فعل قرار می‌گیرد:

مضارع التزامی نشانه‌دار: نخوابم nə-xəs-â-m

نگیرم vi-nə-ger-â-m

مضارع التزامی بی‌نشانه: نخوابم nəxəs-um

نگیرم vi-nə-ger-um

۲-۱۴-۱۳ مضارع مستمر

الگوی ساخت مضارع مستمر از افعال ساده به شرح زیر است:

افزونه استمرار +kâ(r) + شناسه‌های ثانویه + مصدر ساده

دارم می‌روم kâr-im(a) še داریم می‌رویم kâr-imun(a) še

داری می‌روی kâr-iš(a) še دارید می‌روید kâr-irun(a) še

دارد می‌رود kâr-a še دارند می‌روند kâr-in(a) še

ساخت مضارع مستمر از افعال پیشوندی مثل شکل ساده آن است با این فرق که به جای مصدر ساده، مصدر پیشوندی می‌آید:

دارم می‌گیرم kâr-im(a) vi-gate

در شکل منفی این فعل، نشانه نفی ni- بین افزونه استمرار، و شناسه می‌آید:

دارم نمی‌گیرم kâr-ni-m(a) vi-gate

۲-۱۴-۱۴ مضارع اخباری

الف) الگوی ساخت مضارع اخباری از افعال ساده به شرح زیر است:

افزونه -ba+ ماده ماضی+ شناسه‌های ثانویه

ba-zunust-imun(a)	می دانیم	ba-zunust-im(a)	می دانم
ba-zunust-irun(a)	می دانید	ba-zunust-iš(a)	می دانی
ba-zunust-in(a)	می دانند	ba-zunust-i	می داند

ب) الگوی ساخت مضارع اخباری از افعال پیشوندی به شرح زیر است:

وند اشتقاقی+ شناسه‌های ثانویه+ ماده ماضی

vi-muna gat	می گیریم	vi-ma gat	می گیرم
vi-runa gat	می گیرید	vi-ša gat	می گیری
vi-na gat	می گیرند	vi-ra gat	می گیرد

مضارع اخباری در گویش تالشی مرکزی برخلاف زبان فارسی، از نظر مفهوم اغلب بر زمان آینده دلالت دارد. برای منفی کردن مضارع اخباری ساده، ضمن تقدیم شناسه بر ماده فعل، نشانه نفی -ni به جای افزونه -ba قرار می‌گیرد. در افعال پیشوندی، نشانه نفی (-ni/nə) بین وند اشتقاقی و شناسه فعل می‌آید:

<u>ni</u> -ma zunust	نمی دانم
vi- <u>ni</u> -ma gat	نمی گیرم

۲-۱۴-۱۵ آینده نزدیک

الگوی ساخت آینده نزدیک از افعال ساده به شرح زیر است:

افزونه -kâ+ مضارع اخباری ساده

kâ ba-vât-im(a)	می خواهیم بگویم
kâ ba-vât-iš(a)	می خواهی بگویی
kâ ba-vât-i	می خواهد بگوید
kâ ba-vât-imun(a)	می خواهیم بگویم
kâ ba-vât-irun(a)	می خواهید بگویند
kâ ba-vât-in(a)	می خواهند بگویند

ساخت آینده نزدیک از افعال پیشوندی مثل مضارع اخباری پیشوندی است، با این تفاوت که افزونه $k\hat{a}$ در آغاز فعل قرار می‌گیرد:

$k\hat{a} vi\text{-}ma\ gat$ می‌خواهم بگیرم

آینده نزدیک نیز مثل مضارع اخباری منفی می‌شود جز اینکه افزونه $k\hat{a}$ در آغاز فعل قرار می‌گیرد:

$k\hat{a} \underline{ni}\text{-}ma\ v\hat{a}t$ نمی‌خواهم بگیرم

$k\hat{a} vi\text{-}\underline{ni}\text{-}ma\ gat$ نمی‌خواهم بگیرم

۲-۱۴-۱۶ فعل امر

فعل امر در تالشی دو صیغه دارد: دوم شخص مفرد، دوم شخص جمع. فعل امر مفرد، شناسه تھی دارد. اما شناسه دوم شخص جمع آن، a - است. الگوی ساخت فعل امر از افعال ساده به شرح زیر است: افزونه تصریفی $b\hat{a}$ - + ماده مضارع + شناسه امر

$b\hat{a}\text{-}\check{z}an\text{-}\phi$ بزن

$b\hat{a}\text{-}\check{z}an\text{-}a$ بزنی

چگونگی تغییرات مصوت این افزونه ($b\hat{a}$ -)، در ساختهای مضارع التزامی نشانه‌دار و بی‌نشانه، توضیح داده شده است. ساخت فعل امر از افعال پیشوندی مثل شکل ساده آن است با این فرق که وند اشتقاقی به جای افزونه تصریفی قرار می‌گیرد.

$pe\text{-}\check{s}un$ بمپاش

$pe\text{-}\check{s}un\text{-}a$ بمپاشید

در شکل منفی فعل امر ساده، نشانه نفی $ma\text{-}$ به جای افزونه تصریفی قرار می‌گیرد. در افعال پیشوندی این نشانه بین وند اشتقاقی و ماده فعل می‌آید:

$\underline{ma}\text{-}\check{z}an$ نزن

$pe\text{-}\underline{ma}\text{-}\check{s}un$ مپاش

در برخی از افعال که ماده مضارع آنها به صامت r ختم می‌شوند، در امر مفرد، این صامت حذف، و در امر جمع اعاده می‌گردد:

b-a- ϕ	بخور	→	b-ar-a	بخورید
bə-ka- ϕ	بکن	→	bə-kar-a	بکنید
bi-ge- ϕ	بگیر	→	bi-ger-a	بگیرید
pe-da- ϕ	وزن کن	→	pe-dar-a	وزن کنید

مصدر این فعلها به ترتیب، harde (خوردن)، karde (کردن)، varde (آوردن)، gate (گرفتن)، pe-dâšte (وزن کردن) است. صرف فعلهای لازم و متعدی در این ساخت هیچ تفاوتی با هم ندارد.

۱۵-۲ فعلهای ترکیبی

این فعلها، از ترکیب اسم، صفت و قید، با شکل ساده یا پیشوندی فعلهایی چون: due (دادن)، karde (کردن)، že (زدن)، gate (گرفتن)، be (بودن)، še (رفتن) و... ساخته می‌شوند:

karde:		due:	
petâr karde	غارت کردن	z'amun due	فحش دادن
xəl da-karde	سوراخ کردن	tâv â-due	پرتاب کردن
piš â-karde	آویزان کردن	šu due	شوهر دادن
že:		gate:	
təm že	هل دادن	var â-gate	بغل کردن
angəl že	گره زدن	hərsi gate	عصبانی شدن
tam že	بس کردن	par gate	پرواز کردن
še:		be:	
vir bar-še	از یاد رفتن	âv â-be	آب شدن
âv da-še	به آب رفتن	yâl â-be	بزرگ شدن
sar-še	لبریز شدن	gərd â-be	جمع شدن

کتابنامه

- ابوالقاسمی، محسن، ۱۳۷۵. دستور تاریخی زبان فارسی. تهران، انتشارات سمت.
پورشفقی، مریم، ۱۳۸۵. توصیف دستگاه فعل در گویش تالشی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان.

- رضایتی‌کیشه‌خاله، محرم، ۱۳۷۰. توصیف گویش تالشی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- رضایتی‌کیشه‌خاله، محرم، ۱۳۸۲. «چند نکته دستوری در گویش تالشی»، مجله گویش‌شناسی، ش ۱، ص ۴۱-۵۲.
- رضایتی‌کیشه‌خاله، محرم، ۱۳۸۴. «ارگتیو در گویش تالشی»، مجله زبان‌شناسی، ش ۳۹، ص ۱۱۳-۱۲۶.
- رضایتی‌کیشه‌خاله، محرم، ۱۳۸۵. «مصدر و ساخت آن در گویش تالشی»، مجله گویش‌شناسی، ش ۵، ص ۷-۳۰.
- رضایتی‌کیشه‌خاله، محرم، ۱۳۸۶. زبان تالشی. رشت، انتشارات فرهنگ ایلیا.
- مدنی، رضا، ۱۳۶۹. «کتاب‌شناسی و بررسی واژه‌نامه‌ها، دستورنامه‌ها و نوشته‌های گیلکی و دیلمی و تالشی»، گیلان‌نامه (مجموعه مقالات گیلان‌شناسی)، ج ۲، ص ۳۳۶-۳۹۵.
- مولایی، چنگیز، ۱۳۸۴. راهنمای زبان فارسی باستان. تهران، مهرنامک.

Yarshater, Ehsan, 1996. "The Taleshi of Asâlem", *Studia Iranica*, Paris, Tome 25, fascicule 1, pp. 83-113.



